

بسم الله الرحمن الرحيم

توافق ترکیه و روسیه در معامله "S 400" و پیامدهای آن

(ترجمه)

پرسش

«واشنگتن: ایالات متحده تسلیم نمودن جنگنده‌های اف 35 را به ترکیه به حالت تعلیق در آورد.» سخنگوی پنتاگون در اظهاراتی گفت: «ما منتظریم ترکیه در مورد تسلیم نشدن سیستم S 400 تصمیم روشنی اتخاذ نماید و تا آن زمان، روند تسلیم‌دهی و فعالیت‌های مربوط به راه‌اندازی توانایی‌ها و امکانات استفاده از جنگنده‌های اف 35 در ترکیه به حالت تعلیق خواهد بود.» وی افزود: «گفتگوهای ما در این مورد با ترکیه جریان دارد.» (منبع: i24news.tv 1 اپریل 2019)

گفتگوهای مربوط به توافق ترکیه و روسیه در مورد معامله S 400 از ماه سپتامبر 2017م آغاز گردیده و امریکا از آن زمان تاکنون موقف تند و تیزی نگرفته؛ بلکه بیشتر موقف محافظه‌کارانه داشته. پرسش این است که چه چیزی باعث شده امریکا اینک پس از حدود یک‌ونیم سال در این مورد چنین موقف تند و شبیه هشدار به ترکیه در صورت انجام دادن این معامله با روسیه اتخاذ نماید؟

پاسخ

برای روشن شدن پاسخ به بررسی امور زیر می‌پردازیم:

1. روسیه پس از توافق با امریکا، به تاریخ 30 سپتامبر 2015م به سوریه تجاوز نمود؛ چنانچه «قبل از این تجاوز، اوباما و پوتین به تاریخ 29 سپتامبر 2015م با هم دیدار نمودند و این دیدار 90 دقیقه ادامه داشت. در بخش اول این دیدار، روی بحران اوکراین بحث شد و متباقی بحث‌ها متمرکز روی اوضاع سوریه بود. نتیجه این دیدار فوراً ظاهر گردید؛ طوری که شورای اتحاد روسیه به صورت دسته‌جمعی با درخواست پوتین مبنی بر استفاده از نیروی هوایی روسیه در سوریه موافقت نشان دادند.» (منبع: روسیه امروز 30 سپتامبر 2015م) امریکا می‌دانست؛ اگر جنگ به درازا کشد و شرایط در سوریه برای روسیه اختناق آور شود، ممکن است روسیه عجله نموده و دست به کارهایی بزند که امریکا آن را پیش از پیش محاسبه نکرده باشد. بناءً امریکا تصمیم گرفت ترکیه را به رهبری اردوغان به صفت جاسوس خود در قضیه سوریه قرار دهد تا تحرکات روسیه را بر اساس خطوط ترسیم شده امریکا زیر نظر داشته باشد. بناءً به ترکیه اشاره نمود تا خود را به روسیه نزدیک نموده و در چیزی شبیه به یک ائتلاف با روسیه به توافق رسد تا بتواند تحرکات و حملات روسیه را زیر نظر گرفته و نگذارد از مرزهای مورد نظر امریکا فراتر رود؛ طوری که نگذارد انقلابیون و مخالفان را، که در ادلب جمع می‌شوند، قبل از کامل شدن پروژه امریکا در حل نهائی بحران سوریه به صورت کامل نابود کند؛ زیرا امریکا می‌خواهد شماری از مخالفان باقی بمانند تا در هنگام حل و فصل نهائی این بحران، با حکومت مذاکره نمایند.

2. اما مشکل این بود: ترکیه طوری وانمود می‌کرد که در کنار مخالفان قرار دارد و روسیه در کنار حکومت بشار اسد؛ یعنی انگار ترکیه و روسیه در این قضیه در برابر یک‌دیگر قرار دارند. سپس با سقوط دادن طیاره روسی توسط پیلوت‌های ترک در 24 نومبر

2015م، اردوغان خودنمایی نموده و از معذرت‌خواهی سرباز زد. اما از آن جایی که امریکا به جور آمدن ترکیه با روسیه اهمیت می‌داد، به این نظر بود که ترکیه باید از روسیه معذرت‌خواهی نموده و خود را به آن نزدیک کند و چنین هم شد؛ چنانچه ترکیه ابتداء ادعا می‌کرد که طیاره روسی حریم هوایی ما را نقض کرده و مستحق معذرت‌خواهی نمی‌شود؛ اما چندی بعد به تاریخ 27 جولای 2016م رسماً معذرت‌خواهی نمود: «دیمتری بیسکوف سخنگوی قصر کرملین در اظهاراتی گفت: "رئیس جمهور ترکیه با خانواده پیلوت روسی کشته شده اظهار همدردی نموده و به آنان تسلیت گفته و در عین حال معذرت‌خواهی نموده است." وی به نقل از اردوغان گفت: "تمام توان تلاش خواهد نمود روابط دوستانه و دیرین میان ترکیه و روسیه را ترمیم نماید.» (منبع: العربیه 27 جون 2016م) اقدام دیگر چیزی شبیه جبران خسارت بود؛ چنانچه «رئیس مرکز تفریحی "کمر" ترکیه در جریان دیدارش با سرفونسل روسیه در شهر انطالیا، پیشنهاد هدیه یک باب منزل را برای خانواده پیلوت کشته شده به وی داد.» (منبع: روسیه امروز 1 جولای 2016م)

«در ابتداء پوتین از نظر حکومت ترکیه دشمنی خوانده می‌شد که مردم آن، به ویژه منطقه ترکمان را بمباردمان می‌کند؛ اما خیلی زود گفتگوها با وی "در فضای مملو از دوستی" صورت گرفت؛ طوری که اردوغان به تاریخ 29 جون 2016م با پوتین در یک تماس تلفونی گفتگو نمود و به گفته منابعی مربوط به ریاست جمهوری ترکیه، این گفتگوی تلفونی "در فضای کاملاً دوستانه" صورت گرفت.» (منبع: عربی جدید 29 جون 2016م) پس از این گفتگوی تلفونی بود که ترکیه و روسیه در قالب دو دوست با هم تعامل نمودند و اردوغان پوتین را دوست خطاب نمود؛ در حالی که بمباردمان مسلمانان سوریه توسط روس‌ها به شدت ادامه داشت.

3. به این ترتیب بود که دوستی صمیمانه شد و اردوغان با پوتین دیدارها نمود و توافقنامه‌ها امضاء کرد. ما قبلاً در پاسخ به پرسشی که به تاریخ 5 فبروری 2017م منتشر نموده بودیم، در این خصوص چنین گفته بودیم: «ترکیه این نقش را برای خدمت به امریکا و به عنوان پیرو مخلص انجام می‌داد؛ حتی بعد از اعلان پیروزی ترامپ به صفت رئیس جمهور منتخب به تاریخ 9 نومبر 2016م. پس از آن که ترامپ مسئولیت ریاست جمهوری را رسماً به تاریخ 20 جنوری 2017م تسلیم شد، ترکیه حتی فکر هیچ‌گونه تغییر احتمالی را نیز نمی‌کرد و از آن جایی که ترامپ در تبلیغات انتخاباتی‌اش نسبت به روسیه اظهار مردانه‌گی نمود، روسیه گمان می‌نمود که مشخص نمودن موعد کنفرانس آستانه بعد از به قدرت رسیدن ترامپ، امریکا را وادار خواهد نمود که با حضور هیئت بلند رتبه امریکائی در آن، در اهمیت این کنفرانس خواهد افزود. روسیه در هنگامی که ترامپ قدرت را تسلیم می‌شد، کاسه داغ‌تر از آتش شده بود؛ به این امید که وزیر خارجه امریکا در آن کنفرانس شرکت خواهد نمود.

روسیه سعی داشت کنفرانس آستانه شروعی برای مذاکرات فراگیر صلح میان مخالفان حکومت سوریه و حکومت بشار به حمایت ترامپ باشد. البته انتظار این که ترامپ از روسیه پشتیبانی نماید، خود بیانگر حماقت سیاسی روس‌هاست. سپس روسیه از واشنگتن دعوت نمود که در آن کنفرانس شرکت نماید و انتظار داشت هیئت بلندپایه امریکائی در آن شرکت نماید؛ اما واشنگتن -ترامپ، با فرستادن سفیر امریکا در آستانه به آن کنفرانس به صفت یک شاهد، در حقیقت سیلی محکمی به روی روسیه زد. به این ترتیب مذاکرات آستانه به تاریخ 23 جنوری 2017م آغاز و به تاریخ 24 جنوری 2017م پایان یافت؛ بدون این که به هیچ‌گونه نتیجه قابل توجهی در مورد آتش‌بس دست یافته باشد؛ بلکه جنگ در وادی بردی شدت بیشتری نیز گرفت! و طبیعتاً هیچ‌گونه راه‌حل سیاسی

نیز نداشت. در نتیجه؛ مذاکرات آستانه از آن جایگاهی که روسیه در نظر داشت، به شدت پایین تر آمد و با چانه‌زنی در مورد چهارچوب آتش‌بس به پایان رسید!» (منبع: نقل قول منشور قبلی مان)

4. وضعیت تا اواخر سال 2017م به همین شکل ادامه داشت، تا این که وضعیت روسیه بحرانی شد و تصمیم گرفت کار مخالفان حکومت سوریه را در ادلب یک سره کند. روسیه در این تصمیم تا حدی جدی شد که امریکا نگران شد مبادا روسیه بدون توجه به امریکا و تصمیم آن تلاش کند جنگ را با حمله نهائی به ادلب و پیش از به پختگی رسیدن برنامه‌های امریکا برای حل بحران سوریه به پایان رسانیده و اوضاع را خراب کند. در این مرحله بسیار ضرور بود که ترکیه خود را با نیرویی شبیه به یک ائتلاف به روسیه نزدیک نماید و از حمله فراگیر به ادلب، که بدون موافقت دوطرف باشد، جلوگیری کند. به این دلیل و به این ترتیب بود که مسئله معامله خرید S 400 به مبلغ 2.5 میلیارد دالر مطرح گردید؛ معامله‌ای که برای روسیه یک معامله وسوسه‌انگیز است؛ به ویژه با توجه به بحران اقتصادی که با آن دست و پنجه نرم می‌کند. اردوغان این معامله را این گونه توجیه نمود که بیشتر از نیمی از پیلوت‌های ترک پس از کودتای نافرجامی که در نیمه ماه جولای 2016م اتفاق افتاد، بازداشت شده‌اند و اینک نیروهای هوایی ترکیه پیلوت کافی‌ای که توانایی استفاده از جنگنده های "اف - 16" را داشته باشند، در اختیار ندارد؛ بناءً به معامله S 400 پیشرفته روسی نیاز دارد تا توسط آن کمبود پیلوت طیاره‌های جنگی خویش را جبران نماید.

5. هدف اصلی روسیه از این معامله؛ کسب امتیازهای مادی است؛ زیرا معامله S 400 با ترکیه در حدود 2.5 میلیارد دالر بوده و مسکو قصد دارد با این معامله، خسارت‌هایی را که در جریان تحریم‌های اروپا و امریکا بالای نفت و گاز روسیه اعمال نموده بودند، جبران نماید. در عین حال، این معامله به مثابه پیوند جدیدی میان روسیه و ترکیه است. اما ترکیه برای کامل نمودن این معامله شرط گذاشت که تولید باید مشترک صورت گیرد. «نشریه "اکشام" به تاریخ 9 اکتوبر 2017م به نقل از مولود چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه چنین نگاشت که در صورت عدم موافقت روسیه برای تولید مشترک سیستم موشکی S 400، دولت‌اش ممکن است برای دستیابی به سیستم دفاع موشکی در جستجوی توافق با دولت دیگری خواهد شد.» (منبع: DW 9 اکتوبر 2017م) سپس روسیه با تولید مشترک موافقت نکرد؛ اما ترکیه از موقف خود کوتاه آمده و با معامله موافقت نمود تا از حمله روسیه به ادلب جلوگیری نماید؛ حمله‌ای که روسیه عملاً آن را آغاز نموده بود. «أ ف ب: "حد اقل 28 تن غیرنظامی در شب جمعه در پی حملات هوایی بالای شهر ارمناز ولایت ادلب به قتل رسیدند؛ ولایتی که یکی از مناطق کاهش تنش در شمال غرب سوریه به شمار می‌رود." این معلومات را مرکز حقوق بشر سوریه منتشر نموده است. بر اساس معلومات دیگری که این مرکز قبلاً منتشر نموده بود، 12 تن دیگر نیز قربانی این نوع حملات شده بودند. ولایت ادلب بر اساس توافق نامه آستانه به عنوان منطقه کاهش تنش اعلان شده بود؛ اما با آن هم روسیه به آن حمله نمود. عبدالرحمن رئیس مرکز حقوق بشر سوریه گفت: "طیاره‌های نظامی برای دومین بار شهر ارمناز را در حومه شمال غربی ادلب هدف قرار دادند. حمله دوم در حالی صورت گرفت که عملیات نجات مجروحین و گیرمانده‌گان زیر آوارهای ناشی از حمله نخست هوایی در جریان بود." این مرکز از جانب دیگر اعلان نمود که 13 تن غیر نظامی دیگر در جریان عملیات موشکی در مناطق مختلف دیگر این ولایت به قتل رسیده‌اند. دو هفته است که ادلب زیر بمباران شدید هوایی روسیه و سوریه قرار دارد.» (منبع: اخبار خلیج 30 سپتمبر 2017م)

به این ترتیب، معامله فوق‌الذکر بدون توافق در تولید مشترک صورت گرفت. اردوغان در جریان برگشت‌اش از سفری که به اوکراین و صربیا داشت، گفت: «در مرحله نخست خریداری موشک‌های 400 S، که کشورش آن را خریداری خواهد نمود، تولید مشترکی نخواهد بود؛ اما در مرحله دوم» به خواست الله گام‌هایی در خصوص تولید مشترک بر خواهیم داشت.» موشک‌های 400 S، سیستم موشکی پیشرفته‌ای است که توان تخریب اهداف را از فاصله‌های دور دارد و شمار اهدافی را که می‌تواند در یک زمان نشانه گیرد، به سه صد هدف می‌رسد و حجم تخریب این طیاره‌ها به سه تا 240 کیلومتر می‌رسد و می‌تواند تمام انواع جنگنده‌ها و موشک‌های بالدار را تخریب نماید. سیستم 400 S فقط پنج دقیقه زمان نیاز دارد تا موشک‌هایش را آماده پرتاب نماید و اردوی روسیه از سال 2007م به آن مجهز می‌باشد. (منبع: الجزیره 29 دسامبر 2017م)

6. طبیعتاً موقف امریکا در برابر این توافقنامه، موقفی بی‌سروصدا و شبیه به محافظه‌کارانه بود و بس؛ درحالی که ترکیه یکی از اعضای پیمان اتلانتیک شمالی "ناتو" است. هماهنگی‌های تسلیحاتی در داخل این پیمان، هماهنگی‌هایی است که توسط غرب صورت می‌گیرد و با وجود سلاح‌هایی از روسیه در داخل این مجموعه، که با اصول آن در تضاد است، به ویژه سلاحی مانند 400 S، که می‌تواند محدوده غربی این پیمان را هدف قرار دهد؛ اما امریکا و پیمان ناتو در برابر توافق ترکی-روسی، موقف نرم و بی‌سروصدا گرفتند که دو دلیل دارد: اول؛ امریکا نیاز دارد برای منع روسیه از حمله به ادلب، پیش از کامل و پخته شدن راه‌حل امریکا برای بحران سوریه، ترکیه و روسیه را مرتبط به یک‌دیگر نگهدارد. دوم؛ امریکا عملی شدن چنین معامله‌ای را به دلیل عضویت ترکیه در پیمان ناتو بعید می‌شمارد. پس امریکا به ترکیه اجازه نمی‌دهد در داخل منظومه غربی پیمان ناتو، منظومه روسی بسازد. به این دو دلیل بود که موقف امریکا و کشورهای ناتو، موقف آرام و بی‌سروصدا بوده و از حد محافظه‌کاری فراتر نرفت. «واشنگتن هنوز روی موقف محافظه‌کارانه‌اش در برابر خریداری این نوع موشک از روسیه پا فشاری دارد؛ در حالی که سایر اعضای ناتو، خرید سلاحی که ترکیه را در تأمین امنیت آن کم کند، حق ترکیه دانسته اند؛ البته پس از آن که انقره اعلان نمود که این سلاح‌ها به هیچ‌وجه با ساختار تسلیحاتی ناتو مدغم نخواهد شد.» (منبع: روزنامه شرق اوسط 28 دسامبر 2017)

روابط میان روسیه و ترکیه به دلیل این معامله به گونه قابل توجهی بهبود یافت و جبهه ادلب نسبتاً آرام شد. روسیه گمان می‌کرد این دوستی و گفتگوهای مشترک با ترکیه، دستیابی به راه‌حلی که روسیه را از تنگنا بیرون خواهد کشید؛ اما این وضعیت تقریباً یک سال و تا اواخر سال 2018م ادامه پیدا نمود و هیچ تغییری در تنگنایی که روسیه در آن گیرمانده، به وجود نیاورد. امریکا هیچ اهمیتی به گفتگوهایی که در آن زمان، به ویژه در آستانه جریان داشت، نمی‌داد؛ بلکه حضورش بیشتر به حضور پی‌گیرانه و مراقبت شباهت داشت؛ درست مانند حضور کشوری مانند اردن؛ طوری که بعضاً سفیر امریکا در قزاقستان در آن گفتگوها حضور می‌یافت و بس. امریکا می‌داند که بدون حضور جدی امریکا هیچ راه‌حلی عملی نخواهد بود.

به نظر می‌رسد روسیه اینک به بازی امریکا پی برده؛ چنانچه تصمیم گرفت به ادلب حمله نماید و به دلیل ساده‌لوحی که دارد، گمان می‌کرد ترکیه نیز در کنار آن قرار خواهد داشت؛ اما ناگهان با مخالفت ترکیه مواجه شد و نیروهایش را به فرارگاه‌های قبلی آن برگرداند. این مسئله را در پاسخ به پرسش قبلی مان، که به تاریخ 22 سپتامبر 2018م منتشر شد، توضیح بیشتری داده بودیم: «وقتی انقلاب مسلحانه سوریه در ادلب گردآورده شد، روسیه خواهان ادامه عملیات نظامی‌اش بود؛ نیروهای خود را تهدیدکنان

جمع‌آوری کرده و در دریای مدیترانه مانوری با ناوهای بزرگ جنگی و موشک‌های استراتژیک هوایی برگزار نمود و در شرق مدیترانه برای بار اول در تاریخ‌اش، فضای هوایی را بست. پس از آن روسیه خود را در مقابل تنگنای بزرگی یافته و شاهد اموری بود که در محاسبات‌اش وارد نشده بود و از آن جمله:

الف) مخالفت ترکیه برای عملیات وسیع در ادلب: ترکیه بر حمله فراگیر به ادلب موافقت نکرد و وزیر آن خواهان تثبیت تروریستان و جنگ با آن‌ها شده و راه‌اندازی جنگ فراگیر بر ادلب و بمباردمان آن را درست ندانست. (منبع: عنب بلدی 14 اگست 2018م)

در اثنای اجلاس تهران، که بین رؤسای جمهور روسیه، ترکیه و ایران دایر گردید، ترکیه به شکلی که برای روسیه غیرمنتظره بود، از حمله بر ادلب و و سرایز شدن مهاجرین به سوی کشورش اظهار نگرانی کرد و در این‌که مبادا جنگ راه‌حل سیاسی سوریه را از بین ببرد، روسیه را در تنگنا قرار داد. "رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه امروز جمع‌گفت: "استمرار حملات بر شهر ادلب، که در تسلط مخالفین است، منجر به شکست روند راه‌حل سیاسی سوریه خواهد شد." (منبع: یوم سابع 7 سپتمبر 2018م)

ب) به این ترتیب، امریکا می‌خواهد تا روسیه در سوریه گیر مانده و نتواند از آن خارج شود؛ مگر این‌که راه‌حل سیاسی مطابق طرح امریکا را بپذیرد. حال روسیه این سیاست امریکا را می‌داند و شاید این را نیز بداند که امریکا آن را در سوریه گیر انداخته است و فعلاً در سوریه گیر مانده و نمی‌تواند از آن خارج شود؛ مگر به اجازه امریکا؛ زیرا امریکا تمام ابزارهای مؤثر را در سوریه در اختیار دارد. به همین دلیل روسیه حملاتی را که برای یک‌سره کردن بحران ادلب آمادگی گرفته بود، نتوانست به روش خود، کامل کند؛ چون ترکیه به حمایت امریکا بر آن اعتراض نموده و ایران هم خاموشی اختیار کرد. هم‌چنان، اجلاس 7 سپتمبر 2018م در اعتراف به نقشه روسیه برای حمله بر ادلب و پایان دادن بحران آن به روش روسیه، منجر به ناکامی شده و با گذشت فقط چند روز، نشست اردوغان و پوتین برگزار شد و در عوض حمله بر ادلب تصمیم گرفته شد که منطقه حائل ساخته شود و این همه از برکت امریکا صورت گرفت. خبرگزاری "نووستی" به تاریخ 18 سپتمبر 2018م به قول یک تن از مسئولان خارجه امریکا نوشت: "ما از اتخاذ تدابیر روسیه و ترکیه به منظور منع حمله نظامی از طرف دولت اسد و هم‌پیمانان‌اش بر شهر ادلب، استقبال کرده و تشویق‌شان می‌کنیم."

"ولادیمیر پوتین" رئیس جمهور روسیه روز دوشنبه توافقنامه را با "رجب طیب اردوغان" همتای ترکی خویشت اعلام نموده و از ایجاد منطقه حائل در شمال غرب ادلب خبر داد که با فرا رسیدن 15 اکتوبر زیر نظر هردو کشور عملی خواهد شد. ولادیمیر پوتین در پایان دیدار با همتای ترکی‌اش در سوچی روسیه گفت: "ما تصمیم گرفتیم در 15 اکتوبر سال جاری منطقه حائل به عرض بین 15 و 20 کیلومتر بر طول خط مرزی ایجاد کنیم." پوتین این توافقنامه را ممثل راه‌حل جدید دانسته که پیشرفت در حل این مشکل را متحقق می‌کند. از طرفی هم، "سرگئی شوپگو" وزیر دفاع روسیه برای خبرگزاری‌های روسیه اعلام نمود که این توافقنامه از حمله احتمالی بر آخرین پناهگاه گروه‌های مسلح سوری جلوگیری خواهد کرد و بر اساس خبرگزاری‌های "انترفاکس" و "تاس" در پاسخ به پرسشی در مورد این‌که آیا این توافقنامه به معنی منتفی کردن حمله نظامی بر ادلب است؟ وی در پاسخ گفت: "بلی." در مقابل، اردوغان در کنفرانس مطبوعاتی پس از اجلاس سوچی گفت: «روسیه گام‌های لازم را برای ضمانت عدم حمله بر منطقه حائل برخواهد داشت.» (منبع: فرانس 24 / ا ف ب 17 سپتمبر 2018م)

چنین شد که روسیه بمباردمان خویش را بر ادلب متوقف نموده و کشتی‌هایی که در دریای مدیترانه مانور می‌رفتند، برگرداند و هنوز هم مستقیم یا غیرمستقیم توسط ترکیه از امریکا برای یک‌سره کردن موضوع ادلب از طریق نظامی و قبل از راه‌حل سیاسی درخواست کمک می‌کند؛ مگر امریکا قبل از پایان دادن به موضوع ادلب از طریق نظامی، خواهان راه‌حل سیاسی است؛ چون از آن به حیث ابزار فشار برای تهدید روسیه در مورد پایگاه‌های آن کشور در سوریه استفاده نموده و سپس مخالفین نظام را انگیزه خواهد داد تا در راه‌حل سیاسی به موضوع پایگاه‌های روسیه اعتراض کنند. به عبارت دیگر، اهتمام ترکیه و از پس آن امریکا به مانع شدن از حمله روسیه بر ادلب در قدم نخست برای مصلحت امریکاست و نه مانع شدن نظام از رسیدن به ادلب و یا هم حمایت از غیرنظامیان. وقتی روسیه به خواسته‌های امریکا تن داده و امریکا به راه‌حل سیاسی‌ای که می‌خواهد برسد، در آن هنگام مردم ادلب اعم از نظامیان و غیرنظامیان در منطقه حائل و غیرحائل، مباح‌الدم می‌گردند؛ چنانچه رفتارشان در گذشته در مناطق مختلف سوریه و جرائمی که در هر طرف مرتکب شدند، گواه این مدعاست.»

7. به این ترتیب امریکا از موفقیت نقشه‌اش مطمئن شد و هم چنین اطمینان پیدا کرد که ترکیه توان جلوگیری از هرگونه حمله روسیه را به ادلب به دست آورده و نخواهد گذاشت چنین حمله‌ای پیش از به پخته‌گی رسیدن راه‌حل امریکا برای بحران سوریه و یافتن مزدور جدیدی برای امریکا که بتواند جایگزین مزدور فعلی شده و مورد قبول مخالفان فعلی باشد، صورت گیرد. طبیعتاً لازمه چنین نقشه‌ای اینست که مخالفان در ادلب برای ادامه مذاکرات با نظام باقی بمانند و حاکمیت جدید را بر اساس نقشه امریکا تأیید کنند. بنابر این، امریکا دیگر نیازی به همکاری ترکیه با روسیه ندارد؛ زیرا روسیه دیگر توان لشکرکشی و حمله به ادلب را ندارد و به این ترتیب دلیلی که امریکا به خاطر آن در برابر توافقنامه میان ترکیه و روسیه در معامله S 400 سکوت نموده بود، برطرف گردید و به همین دلیل است که امریکا به موقف‌گیری تند و تیز و هشدارآمیز علیه ترکیه روی آورد که با عملی شدن معامله خرید اسلحه روسیه در داخل منظومه پیمان اتلانتیک شمالی مخالفت دارد. موقف‌گیری امریکا در برابر این معامله در حالی شدید شد که قبلاً در زمان توافقات در مورد آن نرم بود؛ زیرا نیاز امریکا به نزدیکی ترکیه با روسیه در زمان "توافقات اولیه در سال 2017م و بی نیاز شدن آن در سال 2019م متفاوت بود.

8. از جمله موقف‌گیری‌های شدیدی که اعلان گردیده، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) «بعضی از مسئولین ایالات متحده و پیمان اتلانتیک شمالی "ناتو" در هشدار به انقره گفته اند که نمی‌توان منظومه دفاعی روسیه را با منظومه موشکی هوایی این پیمان مدغم نمود و خرید سلاح های S 400 توسط ترکیه، احتمال خرید جنگنده‌های اف 35 را از "لوکهدمارتن" امریکایی ضعیف می‌کند و ممکن است منجر به تحریم‌هایی از جانب واشنگتن شود». (منبع: سکای نیوز عربی 26 فبروری 2019م)

ب) «شارلز سامرز سخنگوی وزارت دفاع امریکا به تاریخ 8 مارچ 2019م اعلان کرد که ممکن است ترکیه در صورت خریداری سلاح‌های دفاعی روسیه با پیامدهای خطرناکی مواجه گردد.» وی سپس در کنفرانس مطبوعاتی در پنتاگون گفت: «در صورتی که ترکیه سلاح‌های S 400 را خریداری کند، روابط ما به صورت عام و روابط نظامی ما به صورت خاص با ترکیه با پیامدهای خطرناکی مواجه خواهد شد؛ اما آن‌ها می‌توانند جنگنده‌های اف 35 و موشک‌های باتریوت را به دست آورند.» (منبع: DW 8 مارچ 2019م)

ج) «این درحالی است که یکی از مسئولین وزارت خارجه آمریکا روز سه شنبه در اظهاراتی گفت: ایالات متحده به ترکیه اذعان نموده که تداوم روند معامله خرید سلاح های 400 S، مشارکت ترکیه در برنامه "اف 35" را تهدید خواهد کرد؛ هم چنین هرگونه معامله دیگر سلاح را با واشنگتن در آینده نیز تهدید خواهد نمود. نخستین اقدام عملی آمریکا در منع تسلیم دهی جنگنده های "اف 35" به ترکیه، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، گفت: "ایالات متحده اکمال تجهیزات مربوط به این نوع جنگنده ها را به ترکیه متوقف نموده است." دو منبع آگاه به آژانس "رویترز" گفته اند که مسئولین امریکایی در چند روز گذشته به همتایان ترک شان خبر داده اند که آنان تجهیزات مربوط به جنگنده های اف 35 را که شرکت لوکهدیمارتن آن را تولید می کند، به دست نخواهند آورد. مایک اندروز سخنگوی پنتاگون نیز در بیانیه ای در این خصوص گفت: "فروش تجهیزات و لوازمی را که ترکیه برای استفاده از جنگنده های اف 35 نیاز دارد و تا تصمیم روشن ترکیه مبنی بر دست کشیدن از خریداری تجهیزات 400 S متوقف خواهد بود." (منبع: العربیه نت 2 اپریل 2019م)

د) «روبرت بالادینو معاون وزارت خارجه آمریکا گفته که واشنگتن به گونه جدی در قبال این معامله نگران است. وی تأکید نمود که ممکن است در مورد تولید مشترک جنگنده های اف 35 با ترکیه تجدید نظر صورت گیرد؛ هم چنین در مورد هرگونه معامله دیگر سلاح در آینده. وی افزود: "دولت، سازمان های خاص و افرادی که در خریداری 400S مشارکت داشته باشند، ممکن است بر اساس قانون با تحریم های احتمالی مواجه گردند." (منبع: CAATSA Kurdstreet 11 مارچ 2019م)

9. در خصوص عملی شدن این معامله، احتمالات زیر انتظار می رود:

الف) این که ترکیه به دلیل وابسته گی های عمیق سیاسی و اقتصادی، که به آمریکا دارد، تصمیم بگیرد این معامله را ادامه ندهد و در عوض معامله خرید سلاح های 400 S، ممکن است اقدام به خرید سلاح های تاکتیکی را مانند هلیکوپترها از روسیه کند؛ زیرا خرید چنین سلاح های تاکتیکی با واکنش خصمانه از جانب پیمان ناتو و یا آمریکا مواجه نخواهد شد و در نتیجه ترکیه برای حفظ امنیت خود به تجهیزات دفاعی از جانب آمریکا دست خواهد یافت. باتریک شاناهان دستیار وزیر دفاع آمریکا روز سه شنبه در پنتاگون خطاب به خبرنگاران گفت: «امیدوارم بتوانیم مشکل را حل کنیم؛ طوری که آنان بتوانند به تجهیزات دفاعی مناسب مربوط به موشک های باتریوت و جنگنده های اف 35 دست رسی داشته باشند.» (منبع: العربیه نت 2 اپریل 2019م)

ب) و یا ممکن است امریکائی ها "راه حل یونانی" را مطرح نمایند؛ یعنی موشک های روسی را در انبارها قرار داده و آن را تا زنگ زدگی و فرسودگی به حال خود رها کنند و در عوض آن موشک های باتریوت را از آمریکا خریداری کند؛ موشک هایی که هزینه آن به سه ونیم میلیارد دالر می رسد. داستان موشک های روسی در یونان به زمانی برمی گردد که مسکو آن را در اصل به قبرس فروخت و قبرس قیمت آن را پرداخت؛ اما اعتراض های شدید انقره "اثینا" را وادار نمود تا برای جلوگیری از یک بحران خطرناک با ترکیه، بدون استفاده نزد خود نگهداری نماید. این بدان معنی خواهد بود که ترک ها مبلغ یاد شده را به علاوه دوونیم میلیارد دالری که برای خریداری موشک های روسی می پردازند، خواهند پرداخت! این راه حل مطمئناً برای دونالد ترامپ راه حل مناسبی است؛ اما هزینه هنگفت آن، حکومت ترکیه را در برابر تهاجم و اعتراض های مخالفان داخلی حکومت ترکیه قرار خواهد داد؛ مخالفانی که حق دارند

حکومت را به بی‌توجهی و کوتاهی در مورد سرمایه‌های مردم ترکیه متهم نمایند که آن را خرچ اشتباهات سیاست‌های خارجی خود می‌کند.

ج) و یا ممکن است این سلاح‌ها را به دولت سوم، مانند هند، بفرستند تا از خشم روسیه جلوگیری شود؛ دولتی که در استراتژیی محاصره نمودن چین با امریکا همکار است.

به نظر می‌رسد، احتمال بیشتر با مورد اول (الف) باشد؛ زیرا اظهاراتی را که طرف‌های قضیه در حال حاضر مطرح می‌کنند، به این هدف زمینه‌سازی می‌کنند؛ مانند اظهارات شاناهان، که به تاریخ 2 اپریل 2019م مطرح نمود و در فوق ذکر گردید. هم‌چنین اظهارات معاون نخست‌وزیر روسیه در امور صنعت نظامی: «ما از عقب‌نشینی ترکیه در معامله 400 S ترسی نداریم.» (منبع: الجزیره 3 اپریل 2019م) هم‌چنین معلوماتی دیگری را که الجزیره در همان تاریخ مذکور منتشر نمود: «ولادیمیر شامانوف رئیس کمیته دفاع شورای دومای روسیه، امکان عقب‌نشینی ترکیه را در معامله سلاح‌های 400 S از روسیه بعید ندانست.» هم‌چنین العربیه به تاریخ 4 اپریل 2019م در خبری گفت: «ترکیه خواستار تشکیل گروهی مشترک با واشنگتن شد که حجم خطر منظومه موشکی 400 S روسیه را ارزیابی نماید.» بناءً موارد فوق نشان می‌دهد که احتمال اول قوی‌تر است؛ یعنی عدم اجرایی شدن معامله موشکی با روسیه، یعنی لغو این معامله.

28 رجب 1440 هـ.ق

4 اپریل 2019م